



افزایش محرک‌ها موجب تحریک تقاضا می‌شود:

سهام واردات سرمایه‌های چین نسبت به واردات مصرفی بالاتر بوده که این امر موجب بهبود در پیش‌بینی اولیه رشد ملایم حجم واردات چین و جلوگیری از کاهش در تجارت جهانی خواهد شد.

اما ایجاد تعادل در مازاد ظرفیت چین در برخی بخش‌ها نظیر فولاد، خودروسازی و تولید کشتی مدت بیشتری به طول خواهد انجامید و موجب تداوم فشار بر صادرات رقابتی منطقه‌ای این کشور در این بخش‌ها حداقل برای چند سال آینده می‌شود.

بعید است تثبیت و تجدید رشد متعادل در بخش صنایع کارخانه‌ای چین نیز به عنوان محرکه‌ای سریع برای تغییر روند برای صادرکنندگان کالا کافی باشد. از این رو اقتصادهای منبع - محور، تعدیل گسترده‌تری را لازم دارند. البته برای بهره‌گیری از این ظرفیت مازاد تولید، تقاضا برای کالاها به آهستگی بالا می‌رود ولی انتظار بر این است که قیمت‌های کالایی در نهایت برخی از خسارات وارده را جبران کرده و زیان‌های اخیر را پوشش دهد. برای مثال پیش‌بینی می‌شود که قیمت جهانی نفت خام از سطح فعلی بشکه‌ای ۵۰ دلار در سال ۲۰۱۶ به حدود ۷۰ دلار برای هر بشکه در دوره ۲۰۱۹-۲۰ افزایش یابد.

تجارت طی چند سال آینده شتاب می‌گیرد

در سال جاری بروز شوک منفی از ناحیه چین و سایر بازارهای نوظهور در بازارهای توسعه یافته، تا حد زیادی بوسیله سیاست تحریک داخلی و نرخ بازده پائین‌تر اوراق قرضه جبران شده است. آمریکا و کشورهای منطقه یورو حمایت از تجارت جهانی را در خلال چند سال آینده ادامه خواهند داد. برابر پیش‌بینی‌ها با نگاهی به رشد تولید ناخالص داخلی در هر دو ناحیه، سیاست‌های حمایت از تجارت در ۲۰۱۶-۱۷ ادامه خواهد یافت. بطور مشخص افزایش رشد سرمایه‌گذاری در آمریکا و سه اقتصاد بزرگ اروپایی در سال ۲۰۱۶ با نرخ رشد مشابه سال ۲۰۱۵ ادامه خواهد یافت و موجب رشد تجارت جهانی در بخش مصرف‌کننده خواهد شد.

این عوامل، پیش‌بینی‌های قبلی را برای رشد حجم تجارت

۲- در این نوشته هر کجا از واژه کالا استفاده شده است ترجمه واژه انگلیسی commodity است و هر کجا از واژه محصول استفاده شده است ترجمه واژه Product است. کالا یا commodity کالای اولیه قابل تجارت که معمولاً به صورت سلف معامله می‌شود، می‌تواند به عنوان داده در تولید محصولات تولیدی Product استفاده شود، ارزش افزوده‌ای در آن اعمال نشده است و در انواع مشابه آن به قیمت نسبتاً یکسانی خرید و فروش می‌شوند (مس، نفت خام، گندم، دانه قهوه و طلا) اما Product یا good آن نوع محصولی است که در فرایند تولید، بازاریابی یا برند خود دارای ارزش افزوده شده است که به دو صورت با دوام نظیر خودرو، الکترونیک، لوازم خانگی، جواهرآلات، و مصرفی نظیر محصولات خوراکی و آشامیدنی، دارو، پوشاک و غیره خریداری و مصرف می‌شوند.

پیش‌بینی‌های بهبود در اقتصاد جهانی^۱

محمد رضا صادقی فروشانی

به نظر می‌رسد رکود اخیر در تجارت جهانی بعضاً با کاهش تولیدات کارخانه‌ای چین و تداوم کاهش قیمت‌های کالایی^۲ پیوند خورده است. شرایط جاری ممکن است منتهی به تداوم بدبینی در چشم‌انداز آتی شود، اما باور بر این است که رفع نوسانات دوره‌ای در چین تبعات و سرریزهای منفی تجارت جهانی در ماه‌های آتی را کاهش خواهد داد بنابراین بهبود رشد تجاری می‌تواند به زودی نمایان شود.

اقتصاد چین در حال تثبیت است

اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران بر این است که در خلال چند سال آینده بهبود دوره‌ای بوقوع خواهد پیوست و موجب برگشت تدریجی نرخ رشد اقتصاد چین به متوسط روند نرخ بلندمدت خواهد شد. عملکرد اقتصاد چین عنصر تعیین‌کننده‌ای در تعیین روند حرکت تجارت جهانی است. بروز شوک منفی در نرخ رشد تولیدات کارخانه‌ای در اوایل سال ۲۰۱۶ اثرات کاهنده‌ای بر زنجیره عرضه در مناطق مختلف جهان داشت. این پدیده اثرات مشابهی بر قیمت‌های کالایی که خود پیش‌ران اصلی کاهش اخیر تجارت جهانی بوده، داشته است. علیرغم موارد فوق پیش‌بینی‌های انجام شده بعضاً حاکی از ثبات دوره‌ای در اقتصاد چین است.

روند رشد واردات و تولید صنعتی چین طی سال‌های

۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶



Source: Oxford Economics/Haver Analytics

مادام که بطئی شدن ساختاری رشد اقتصاد چین به تعادل مجدد نرسیده است، در ماه‌های آینده محرک‌های سیاست‌های پولی و مالی به تقویت بهبود دوره‌ای دارایی‌ها منجر خواهد شد.

این کشور به موازات تصویب سریع پروژه‌های مورد نظر و پیش‌برد آن‌ها، سیاست تقویت و تجدید ارزیابی سرمایه بانکها و توسعه سرمایه‌گذاری دولت‌های محلی را دنبال می‌نماید تا موجبات تحصیل نرخ رشد بالاتر سرمایه‌گذاری در سال آتی فراهم شود.

*- کماکان احتمال اینکه از آزاد سازی تجاری منافی تحصیل گردد وجود دارد:

به موازات بهبودهای دوره‌ای در تجارت انتظار می‌رود با تاثیرگذاری ناشی از آزادسازی تجاری، برخی از موانع ساختاری رشد نیز شروع به مرتفع شدن نمایند.

اعمال چنین سیاست‌های تجاری، ظرفیت‌ها را به سوی مهیا شدن شرایط بهبود عملکرد تجارت جهانی سوق خواهد داد. لازم به ذکر است نکته و پیشرفت قابل توجه در این فرایند شامل گشایش اخیر در موافقتنامه فناوری اطلاعات سازمان جهانی تجارت (WTO ITA)

است. موافقتنامه اصلی ITA موجب تضمین و اجرای تعرفه صفر و معافیت مالیاتی بر تجارت حدود ۲۵۰ محصول الکترونیکی خواهد شد و در دومین مرحله توافقنامه ۲۰۰ محصول دیگر را هم شامل می‌شود. که جریان تجارت جهانی آنها حدود ۱/۴ تریلیون دلار را پوشش می‌دهد. دلیل دیگر برای خوشبینی در تلاش‌های ناشی از آزادسازی تجاری با انعقاد موافقتنامه عضویت در اتحادیه فرایسایفیک است که بزرگترین قرارداد تجاری ۲۰ سال اخیر است که ۴۰ درصد اقتصاد جهانی را پوشش می‌دهد. البته این قرارداد هنوز بایستی از سوی ۱۲ کشور شرکت‌کننده در آن به تصویب برسد. اما وعده داده شده که این قرارداد از طریق برداشتن تعرفه‌های اغلب محصولات و کاهش موانع غیر تعرفه‌ای، بتواند افزایش قابل ملاحظه‌ای در جریان تجارت جهانی ایجاد کند. همچنین تعداد دیگری از قراردادهای مهم در دست تدوین هستند که شامل: موافقتنامه تسهیلات تجاری WTO که در پی ایجاد تسهیل و ساده‌سازی رویه‌های گمرکی است و اکنون برای تصویب ارایه شده است. همچنین "قرارداد تجارت و سرمایه‌گذاری فرآتلانتیک" که یک موافقتنامه تجارت آزاد پیشنهادی بین ایالات متحده آمریکا و اروپاست و انتظار می‌رود برای اعضای خود منافع سرشاری را ایجاد نمایند.

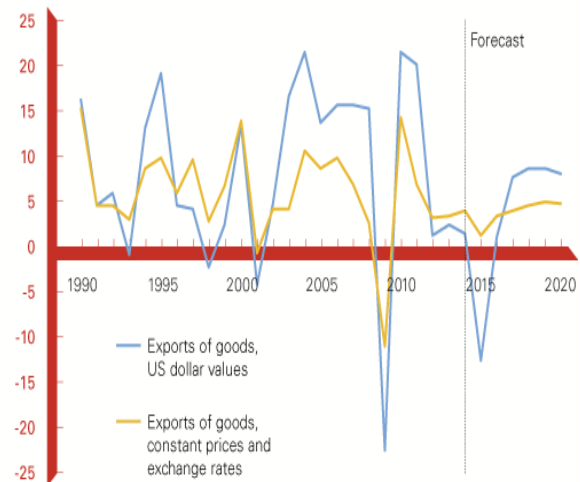
*- حرکت فراتر از تجارت کالایی به سوی خدمات:

این موافقتنامه‌ها نه تنها به جریان تجارت قابل مشاهده مربوط می‌شوند بلکه بصورت فزاینده‌ای مرتبط به خدمات نیز هستند، تجارت خدمات کمتر از تجارت کالایی در اثر بحران اخیر اقتصاد جهانی کاهش داشت و در سال‌های اخیر با استواری بیشتری نسبت به تجارت کالایی رشد داشته است در ایالات متحده آمریکا واردات خدمات در سه ماهه دوم ۲۰۱۵ معادل ۱۴ درصد نسبت به دوره مشابه قبل از بحران (در مقایسه با رشد ۱۰ درصدی تجارت کالایی در همین دوره) بیشتر بود. علاوه بر این بواسطه وجود مشکلات ناشی از ارزیابی هزینه‌های تجارت خدمات، رشد حجم خدمات می‌تواند بیشتر از آنچه در آمار رسمی نشان داده می‌شود باشد. با نگاهی به آینده انتظار می‌رود که همگرایی بازار خدمات موجب حمایت بیشتر از تجارت کالایی در جهان شود.

کالایی در جهان در سال ۲۰۱۶ حدود ۳ درصد بهبود خواهد داد و تا دوره ۲۰-۲۰۱۸ نرخ رشد تجارت کالایی در حد ۵ درصد خواهد بود. بر حسب نرخ برابری ارزش دلار آمریکا پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد مثبتی در حد ۱ درصد در سال ۲۰۱۶ به وقوع بپیوندد و تا ۲۰۲۰-۲۰۱۸ نرخ رشد سالانه شتاب ۸ درصدی داشته باشد.

رشد صادرات کالایی در جهان تا سال ۲۰۲۰

Annual % changes



Source: Oxford Economics/Haver Analytics

در سطح محصول انتظار بر آن است که بخش‌های حساس به نوسانات دوره‌ای نظیر تجهیزات حمل و نقل بیشترین منفعت را از چرخش روند رو به بهبود، نصیب خود کنند. همینطور کالاهای واسطه‌ای نظیر مواد شیمیایی و ماشین‌آلات بطور فزاینده‌ای از تقویت سرمایه‌گذاری در جهان منتفع می‌شوند. بهبود در پیش‌بینی قیمت‌های کالایی نیز چشم‌انداز ارزش تجارت در مواد خام و سوخت‌های فسیلی را مناسب‌تر می‌نماید.

باقی بودن ریسک‌های کاهنده در چشم‌انداز:

البته بهبود شرایط در پیش‌بینی رشد تجارت جهانی هنوز مشروط به کمتر شدن قابل ملاحظه ریسک‌هاست، ریسک‌های کلیدی شامل امکان طولانی‌تر شدن رکود ادواری بخش صنایع کارخانه‌ای چین بیشتر از آنچه که قبلاً پیش‌بینی شده بود، وجود دارد. پتانسیل اینکه شیب تقاضا در ایالات متحده آمریکا و اروپا ملایم‌تر شود یا اینکه امکان وقوع برخی حوادث سیاسی و اجتماعی در بازارهای نوظهور، تعدیلات رشد اقتصاد کلان آنها را پیچیده نماید نیز وجود دارد. به‌رحال این سه مانع بر سر راه بهبود پیش‌بینی شرایط بازار قرار دارند.



از میان موارد فوق الذکر، بیشترین تداخل محتوایی میان سیاست‌های صنعتی و سیاست‌های علمی، فناوری و نوآوری رخ می‌دهد زیرا دامنه سیاست‌های این دو بخش مشابه بوده و لذا شناسایی این تداخل‌های محتوایی و برقراری هماهنگی لازم میان این دو گروه سیاست در سه سطح کلان، میانی و خرد حائز اهمیت فراوان است. بنابراین، حتی اگر چارچوب‌های سیاستی مدونی برای توسعه صنعتی و سیاست‌های علمی طراحی شده باشد، عدم هماهنگی آنها در سه سطح مزبور متضمن تاثیر مطلوب بر عملکرد بنگاه خواهد بود.

تجربه چند کشور منتخب نشان می‌دهد که تدوین سیاست‌های صنعتی و علمی و هماهنگی میان این دو، متاثر از مجموعه‌ای از عوامل نهادی است که توسط پارامترهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعمال می‌شود، بطوری‌که ماهیت این عوامل تاریخی و اقتصادی نه تنها بر نحوه تکامل سیاست‌های توسعه صنعتی و علمی (نحوه شکل‌گیری ایده‌ها و تلقی جامعه از سیاستگذاری) در طول زمان بلکه بر نحوه اجرا و سازمان‌دهی سیاست‌های صنعتی و نوآوری نیز تاثیر می‌گذارند.

لزوم هماهنگی میان سیاست‌های صنعتی و علمی:

تجربه سایر کشورهای منتخب

علیرغم اهمیت همسویی و هماهنگی میان سیاست‌های صنعتی و علمی، اکثر کشورها کماکان توسعه صنعتی و تحولات فناورانه را همچنان به عنوان دو پدیده مجزا و مستقل قلمداد می‌کنند و تنها عده معدودی از کشورها از عنصر نوآوری و ظرفیت‌های علمی لازم (جهت جذب منافع) برخوردارند. یکی از پیامدهای اصلی حاصل از عدم ایجاد تغییرات فناورانه، نابرابری و عدم توسعه ظرفیت‌ها در بین کشورهای مختلف است که این امر در قالب تفاوت بهره‌وری در بین بخش‌ها و صنایع مختلف و همچنین تفاوت در تخصیص منابع آتی به تحقیق و توسعه و نوآوری نمود می‌یابد. به عنوان مثال، کشورهای آسیایی در حال توسعه توانسته‌اند با تاکید بر عامل نوآوری در سیاست‌های صنعتی، سهم خود از صادرات کالاهای با فناوری بالا^۴ را از حدود ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش دهند. این در حالی است که سهم سایر کشورهای در حال توسعه از صادرات کالاهای مزبور در این بازه زمانی، همواره کمتر از ۱۰ درصد بوده است.

همچنین، عدم توجه به تغییرات فنی در الگوهای رشد، موجب می‌شود فرایند تحول ساختاری (که هدف اصلی سیاست‌های صنعتی است) در راستای تغییرات فناورانه محقق نگردد. به عنوان مثال، کشورهای آفریقایی که به لطف افزایش تقاضا

آینده تجارت کالا و خدمات ایران:

شکی نیست که تحولات تجاری ایران طی سال‌های اخیر، تحت تاثیر سایه سنگین تحریم و مناسبات بهبود نیافته کشور با جهان و تبعات منازعات درون اوپک و کاهش قیمت جهانی نفت بوده است. بدیهی است که در صورت تغییر این شرایط و بهبود حکمرانی اقتصادی، احتمال جهش صادرات ایران به رتبه‌ای بالاتر وجود دارد، اما چنانچه روندهای گذشته ادامه یابد، دسترسی به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۰ جای تامل جدی دارد زیرا برخی از تهدیدات منتج به تداوم روندهای گذشته که هنوز مرتفع نشده‌اند می‌توانند به عنوان مانعی جدی در تحقق اهداف کشور باشند. در این زمینه، موانعی از قبیل بی‌ثباتی در منطقه، جایگزینی نفت و گازهای نامتعارف و نتیجتاً کاهش تقاضا و قیمت جهانی نفت خام منطقه، عدم تنوع و توازن در ترکیب صادرات و تکیه بر صادرات منابع طبیعی یا اولیه بجای تکیه بر صادرات محصولات فرآوری‌شده و دارای پیچیدگی فناوری، برون‌زا بودن و تهدیدپذیر بودن اقتصاد، در مقابل محدود بودن درون‌زایی در تولید و صادرات، فاصله داشتن با اقتصاد دانش بنیان، بی‌تحرکی در بهبود بهره‌وری و رقابت‌پذیری ملی، غفلت از دیپلماسی تجاری و تداوم مشکلات مربوط به تعاملات بین‌المللی و ... قابل ذکر هستند.

برابر پیش بینی واحد اطلاعات اکونومیست از آینده اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ رشد تولید ناخالص داخلی ایران با تولید ۳،۸ میلیون بشکه نفت در روز، ۵،۵ درصد خواهد بود و درآمد حاصل از صادرات نفت در این سال بالغ بر ۷۸،۸ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. بدیهی است با استفاده از فرصت‌ها و همچنین کاهش موانع و تهدیدات پیش‌رو، امکان استفاده از ظرفیت‌های بالقوه کشور و دستیابی به سطح ۶۵ میلیارد دلار صادرات صنعتی و ۱۱۲ میلیارد دلار سرجمع صادرات غیر نفتی و خدمات در پایان برنامه ششم توسعه، مشروط به التزام عملی به الزامات بالادستی آن و همدلی در رویکردها، دور از انتظار نیست.

توسعه صنعتی و سیاست نوآوری^۲

مهدی محرمی

مقدمه

اگرچه هدف از سیاست‌های صنعتی تسریع فرآیند گذار ساختاری، با هدف نیل به رشد و توسعه اقتصادی، است اما ماهیت چندوجهی آن، فرآیند تعریف، تدوین و اجرای این سیاست‌ها را بسیار دشوار و پیچیده می‌سازد. به عبارت دیگر، اثرگذاری همزمان سیاست‌های صنعتی بر سیاست‌های علمی، فناوری و نوآوری^۳، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حقوق مالکیت معنوی و تجارت و در ادامه احتمال بروز تداخل محتوایی میان این سیاست‌ها، می‌تواند کارکردهای سیاست‌های صنعتی را مختل و یا حتی وارونه سازد.

2. Industrial Development and Innovation Policy. Technology and Innovation Report, UNCTAD (2015). United Nations Publications. 2015

3 - STI

4 - high technology intensity products



برای کالاها و یا محصولات با ارزش افزوده پایین (از جمله محصولات کشاورزی)، رشد اقتصادی بالایی را پس از سال ۲۰۰۰ تجربه کردند، پس از وقوع بحران مالی در سال ۲۰۰۸ با کاهش شدید نرخ رشد GDP مواجه شدند. با این وجود کشورهایی که بر ارتقای بهره‌وری در بخش‌های مختلف تاکید داشته و در واقع رشد مبتنی بر بهره‌وری^۵ را الگوی خود قرار دادند، در مقایسه با کشورهایی که تنها به بخش منابع طبیعی و یا بخش‌های با ارزش افزوده پایین تمرکز داشتند، نرخ رشد اقتصادی پایدارتری را تجربه کردند.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۹۶۰، سیاست‌های علمی- فناوری را (به عنوان ابزار سیاستی مناسب جهت ایجاد ظرفیت فناوری در راستای توسعه صنعتی) در پیش گرفتند. به‌استثنای کشورهای جنوب شرق آسیا و همچنین کشورهای در حال توسعه نظیر چین، هند و برزیل، سایر کشورها از یکپارچه‌سازی و ادغام این سیاست‌ها در برنامه‌های توسعه خود غفلت کردند که این امر موجب شد تا کشورهای مزبور توجه کافی به عنصر نوآوری مبذول ندارند. از آنجا که هدف اصلی این سیاست‌ها جذب فناوری بود، به خلاقیت، نوآوری و مهارت‌های فنی که تنها از طریق فعالیت‌های آموزشی (یادگیری) محقق می‌شوند، توجهی نشد و لذا مدیریت فناوری‌های جدید همچنان یک مساله چالش برانگیز باقی ماند. این در حالی بود که کشورهای در حال توسعه برای ارتقاء سطح رقابت‌پذیری خود می‌بایست در کنار وارد کردن فناوری، ظرفیت‌های لازم برای نوآوری را ایجاد می‌کردند. لذا، سیاست‌های علمی، فناوری و نوآوری درصدد رفع این چالش‌ها با ابزارهایی همچون یادگیری مشارکتی^۶، شبکه سازی^۷ و تحقیق و توسعه در چارچوب مجموعه‌های نوآورانه ملی است.

در همین راستا، بسیاری از کشورهای در حال توسعه طی دو دهه گذشته از سیاست‌های علمی- فناوری^۸ به سیاست‌های علمی، فناوری و نوآوری روی آورده‌اند که لازمه آن یکپارچگی با سیاست‌های صنعتی می‌باشد.

سیاست‌های صنعتی در ایران

* سیاست‌های علمی و بعضاً فناوری تقریباً در تمامی برنامه‌های توسعه مورد توجه سیاستگذاران قرار داشته و طی زمان تکامل یافته است. بطور دقیق‌تر، در طول سه برنامه اول اگرچه تمهیدات مختلفی در جهت توسعه و

بهبود فناوری به انجام رسید، اما به واسطه غلبه رویکرد جایگزینی واردات و هم چنین نقایص ساختاری در صنعت (تمرکز مالکیت انحصاری شرکت‌های بزرگ دولتی)، انگیزه قوی برای رشد تقاضای فناوری و ارتقای فناوری به وجود نیامد.

* اشکال مهم دیگر به نوع سیاستگذاری علمی - فناوری در این دوره بازمی‌گردد، که تنها با پیروی از یک نگاه خطی، از مرحله ایده‌سازی تا خلق فناوری، تلاش می‌کرد پیوند علم و صنعت را برقرار کند. این مساله با معرفی و پیگیری رویکرد شبکه‌ای در برنامه چهارم و ایجاد زمینه‌های تعامل میان زیربخش‌های صنعتی (با هدف آموزش فناورانه و هم چنین حمایت از عرضه‌کنندگان فناوری) با تدوین برنامه جامع توسعه علم و فناوری، نظام جامع حقوق مالکیت فکری و سازماندهی نظام پژوهشی و فناوری، تا حدودی بهبود یافت. تلاش‌ها در جهت تبدیل رویکرد عرضه‌محور به رویکرد تقاضامحور در برنامه پنجم نیز دنبال شد. با این حال، از آنجا که اساساً سیاست‌های علم و فناوری بدون وجود ارتباط مشخص با سیاست‌های بخش صنعت تدوین می‌گردید، در عمل پیوندی میان این دو سیاست شکل نگرفت.

* در حال حاضر که دولت درصدد توسعه نوآوری در کشور می‌باشد و این مهم با توجه به الزامات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اهمیت دوچندان یافته است، ضروری است در گام نخست نسبت به تقاضامحور نمودن تلاش‌های نوآورانه در یک رویکرد تعاملی با سیاست‌های صنعتی اقدام شود. در واقع، تدوین سیاست‌های صنعتی که وفق الزامات ماده صد و پنجاه قانون برنامه پنجم توسعه به عنوان یکی از تکالیف دولت تعیین شده است، نباید بطور مستقل و فارغ از محتوای فناورانه سیاست‌ها انجام شود. خلاصه آنکه ضروری است هم سیاستگذاران صنعتی به ابعاد و ویژگی‌های فناورانه‌ی توسعه صنعتی توجه لازم را نشان دهند و در فضای تحولات سریع تکنولوژی از سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی بر اساس فناوری‌های قدیمی اجتناب کنند، و هم سیاستگذاران علم، تکنولوژی و نوآوری مناسب است که الزامات و ابعاد فعالیت‌های صنعتی را از ابتدا در دستور کار شرکت‌های جدیدالتاسیس لحاظ نمایند. ایجاد صدها شرکت ریز و کوچک که الزامات توسعه‌ای آنها مورد مذاقه قرار نگرفته باشد منجر به آثار اقتصادی، اشتغال‌زایی و ثروت‌آفرینی و صادرات نخواهد شد. لذا توصیه می‌شود تدوین مشترک سیاست‌های این دو حوزه از سوی متولیان در دستور کار قرار گیرد و هماهنگی میان این دو نوع سیاست مورد توجه و تاکید متولیان و مسئولان باشد.

5 - productivity enhancing growth

6 - collaborative learning

7 - networking

8 - S&T